

# نگاهی به نخستین نشریه علمی ایران

تهیه کننده: علیرضا حسینی پاکدهی - آبانماه 73



□مقاله ذیل از چگونگی و نحوه انتشار نخستین مجله علمی در ایران «روزنامه علمیه دولت علیّه ایران» و محتوا و مندرجات آن سخن می گوید و از حیث جامعه شناختی، زمینه اجتماعی این نشریه را نشان می دهد.

## مقدمه

مطبوعات به طور عام در دنیای کنونی از جمله معیارها و شاخصهای توسعه فرهنگی-اجتماعی به حساب می آیند. امروزه جامعه ای را توسعه یافته می نمند که در کنار شاخصهای اقتصادی و جمعیتی، نظیر تولید ناخالص ملی، درآمدسرانه، تولید فولاد، تولیدانری و برق صنعتی، نرخ امید به زندگی، نرخ مرگ و میر و نرخ زاد و ولد، ساخت سنی و جنسی جمعیت و شاخصهای دیگر، «آموزش و اطلاعات»، یا به عبارتی دیگر

عناصر «اطلاعات» و «میزان دانایی اجتماعی» در آن برجسته باشد. بدون تردید در چنین جامعه ای، مطبوعات و به ویژه «نشریات علمی و تخصصی» بهعنوان وسیله ای برای توزیع، انباشت و همچنین تولید داده ها و اطلاعات علمی در جهت گسترش، شکوفایی، تعالی و

به سرآمده است و وارد «دوران بصری» یا «فرهنگ تصویری» شده ایم. این ادعا اگر کم و بیش در مورد نشریات تخصصی و علمی بدون تردید صادق نخواهد بود. زیرا نتایج تحقیقات و بررسیهای متخصصان علوم ارتباطی و اجتماعی حکایت از آن دارد که نه تنها از میزان اعتبار و ارزش این گونه نشریات کاسته نشده است بلکه دائما در عصر حاضر که آن را عصر «ارتباطات» یا «اطلاعات» یا «فراصنعتی» و غیره نامیده اند، نقش و منزلت و جایگاه این رسانه ها، عمیقتر، گسترده تر و حساستر شده است. به ویژه آنکه شاهد گسترش روزافزون رشته های متعدد علمی در ابعاد بسیار تخصصی و همچنین موسسات و نهادها و آزمایشگاههای تحقیقی - پژوهشی هستیم و این امر، ضرورت گسترش هر چه بیشتر و تخصصی تر و غنی تر این گونه نشریات را توجیه و تبیین می کند.

جامعه ما، علی رغم دارا بودن غنای فرهنگی و پیشینه ارزشمند تاریخی، نه تنها با شاخصهای اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی به عنوان کشوری توسعه



پیشرفت همه جانبه آن، به طور روز افزون نقش حیاتی و اساسی دارد و نیز نقش سیستم عصبی آن جامعه را ایفا می کنند.

پیدایش و گسترش وسایل ارتباط جمعی به خصوص تکنولوژیهای نوین ارتباطی، باعث شده است تا برخی گمان برند که دیگر عصر مطبوعات یا نشریات و به طور کلی عصر «فرهنگ نوشتاری»

نیافته مورد ارزیابی قرار می‌گیرد بلکه از بُعد شاخصهای فرهنگی - اجتماعی و میزان تولید اطلاعات و خصوصاً میزان سرانه مطبوعات نیز توسعه نیافته قلمداد می‌شود و از حداقلهای تعیین شده از سوی سازمان تربیتی علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) در این زمینه، فاصله بسیار دارد و این در وضعیتی است که در حدود 158 سال میلادی از انتشار نخستین روزنامه و 131 سال میلادی از انتشار نخستین

نشریه عملی در ایران می‌گذارد. بر اساس آماري که سازمان یونسکو در مورد وضعیت رسانه ای جهان در سال 1990 تهیه کرده است برای هر هزار نفر جمعیت ایران فقط 22 نسخه روزنامه و برای هر هزار نفر با سواد کشور، 36 نسخه روزنامه وجود دارد که از این حیث، کشور ما از کشورهای بی نظیر ترکیه، مصر، لبنان، تونس، الجزایر در موقعیت بدتری قرار دارد. (1)

در این مقاله به بررسی اجمالی نخستین نشریه علمی ایران می‌پردازیم و در حد امکان به پرسشهایی از این قبیل پاسخ می‌دهیم: نخستین نشریه علمی

ایران کدام نشریه بوده؟ چه ویژگیها و خصوصياتی داشته؟ در کجا، کی و به چه مدت انتشار می‌یافته؟ به چه زبان یا زبانهایی منتشر می‌شده؟ تیراژ، مالکیت و حوزه انتشار آن چقدر و چگونه بوده؟ وضعیت اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی جامعه در زمان انتشار این نشریه چگونه بوده؟ و سرانجام آنکه، سبک و سیاق و محتوای مطالب مندرج در آن چگونه بوده است؟

### علمیه نخستین نشریه در ایران

نخستین روزنامه‌ها به زبان فارسی در هندوستان پدید آمدند. از اواخر قرن هیجدهم میلادی روزنامه‌هایی به زبان فارسی در این کشور منتشر شدند. (2) اما اولین روزنامه‌ای که در ایران منتشر شد روزنامه‌ای بود به نام کاغذ اخبار که در 1253 هـ ق / 1837 میلادی در تهران توسط میرزا صالح شیرازی انتشار یافت. از تاریخ انتشار کاغذ اخبار کمی بیش از یک قرن و نیم می‌گذرد و اساساً و روزنامه‌نویسی به معنی نوین آن، نیز هنر پیشه و صنعت دیرینه‌ای نیست و

بیش از چهار قرن در عالم سابقه وجود نداد و طلوع این کوکب تابان بعد از ظهور صنعت چاپ در مغرب زمین صورت پذیرفته است.

پیدایش و گسترش صنعت چاپ و نشر کتاب و روزنامه، ایجاد مدارس و مطرح شدن افکار نو - عمدتاً اروپایی - ترویج و تبلیغ روشهای جدید فکری و مذهبی در ایران طی قرن نوزدهم، (در دهه 40 و 50 و خصوصاً 60) بازا مناسبی برای خواندن و نوشتن در کشور ایجاد کرد و وضعیت جدیدی پیدا شد که احتمال می رفت عوامل ملی و غیر دولتی از این موقعیت استفاده کنند و قدرت نفوذی در مقابل دولت ناصری پدید آورند. همچنین از طرفی گسترش مطبوعات، ضرورت تاسیس ادارات جدید رسمی کردن امور مطبوعاتی و ارتباطی را مطرح ساخت. این تحولات ناصرالدین شاه را تا حدی نگران کرد و در سال 1279/م. 1863ه صنایع الملک موظف شد ریاست اداره ی مطبوعات دولتی را در تهران به عهده بگیرند. در همین سال، ناصرالدین شاه، دستور انتشار روزنامه های دولتی تازه را صادر کرد و عقیلی

میرزا اعتضاد السلطنه؛ وزیر علوم، مامور تاسیس و انتشار این روزنامه ها شد. به دستور اعتضاد السلطنه، روزنامه ی دولت علیه ایران و رداره ی مطبوعات دولتی به ساختمان مدرسه دارالفنون انتقال یافت و این مدرسه مرکز انتشار و پخش روزنامه های دولتی شد. در کنار روزنامه های دولت علیه ایران سه روزنامه ی جدید ماهانه منتشر می شد ولی فقط می باید مباحث تاریخی، فرهنگی و علمی را مطرح می کردند و حرفی از امور سیاسی و دولتی به میان نمی آوردند. اومینروزنامه یا نشریه ماهانه جدید به نام روزنامه ی علمیه دولت ایران در 11 ژانویه 1864/ شعبان 1280ه. منتشر شد. این روزنامه که اغلب به زبانهای عربی و فرانسه نیز چاپ می شد به مقالات علمی اختصاصی داشت. (3)

استاد محیط طباطبائی در مورد انتشار روزنامه علمیه می نویسد: «... علیقلی میرزا [یکی از پسران متعدد فتحعلی شاه از مادری گرجی] در سال 1280 [ه.ق] روزنامه علمیه را دایر کرد که علی الظاهر خود در تحریر آن مقام

اول را داشت و لحن برخی مقاله ها نشان می دهد که از زبان او سخن گفته می شود، شاهزاده بدین ترتیب در وادی روزنامه نگاری قدم می گذارد و قدیمترین روزنامه علمی مملکت را به سه زبان فارسی و عربی و انگلیسی انتشار داد. مسلم است معلمان مدرسه دارالفنون در این کار دستیار او بودند. چنانکه متن فرانسه شمارهها عموماً به دستخط موسیو رشیار معلم تازه مسلمان زیان فرانسه دارالفنون نوشته و ناگزیر قبل از تحریر به فانسسه ترجمه می شد. متن عذبی که به خط نسخ خوانایی نوشته شده، ترجمه فرد فارسی زبانی بوده که به زیان عربی آشنا می باشد. ولی به فکر و تنظیم عبارت فارسی نزدیکتر از عربی است»<sup>(4)</sup>. وی همچنین یادآور می شود که باید پذیرفت که استعداد علمی و ادبی شاهزاده علیقلی میرزا که خود شاعر و ریاضیدان و آشنا و زیان فرانسه و نجوم شرقی و غربی متخلص به عیقری بوده به این دو روزنامه یعنی علمیه و ملتی و روزنامه دیگری که وی آن را منتشر می ساخت و اختصاص به مقالات تاریخی داشت - صورتی بیش از

استعداد مقبول زمان بخشیده است. بنابراین باید علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه وزیر علوم زمان ناصرالدین شاه را بنیانگذار مطبوعات علمی و ادبی ایران شناخت. وجود ارباب دانش و بینش در حلقه معاشرت و مجالست او و استقاده از وجودشان در تحریر و تنظیم این مطالب را باید از درایت او ناشی دانست و حقی «که وی در ایجاد روزنامه علمی و ادبی و یا مجله نگاری داشته نمی توان نادیده گرفت»<sup>(5)</sup>.

دو تن از محققان و درمقاله ای تحت عنوان «مجلات علمی تخصصی ایران» درباره نخستین نشریه علمی ایران چنین آورده اند: «نخستین مجله علمی ایران، 11 ژانویه 1864 یعنی 27 سال بعد از انتشار نخستین روزنامه در ایران به دستور ماصرالالدین شاه و به صورت ماهنامه منتشر شد. شاه می خواست به تقلید از کشورهای اروپایی در ایران نیز مجله علمی منتشر شود [64 سال قبل از آن تاریخ در سراسر جهان یک صد عنوان مجله ی علمی منتشر می شد که ظرف 150 سال به هزار برابر و ظرف

168 سال به دو هزار برابر رسید<sup>[6]</sup>. آنها همچنین یادآور شده اند که سالی که نخستین مجله ی علمی ایران منتشر شد، تعداد محصلان (محصل به معنی امروزی) فقط 387 نفر بود<sup>(7)</sup>. علاوه بر این ادوار بروان نیز اینگونه خاطر نشان می کند: «نشریه علمی به زبان فارسی در ایرانبنا انتشار روزنامه علمیه دولت علمیه ایران آغاز یافت...»<sup>(8)</sup>

تا اینجا می توانیم به اختصار بگوییم که نخستین نشریه علمی که در ایران منتشر شده شده «روزنامه ی علمیه دولت علیه ایران» بوده است اما یک سوال باقی می ماند و آن اینکه این نشریه را باید «روزنامه» دانست یا «مجله»؟ در ادامه مطلب با توجه به مطلب لین نشریه و نظر برخی از صاحب نظران سعی خواهیم کرد که این نکته را روشن سازیم:

### نخستین نشریه علمی ایران:

#### روزنامه یا مجله؟

امروزه همگان به تجربه می دانند که فرق بین روزنامه، مجله، هفته نامه،

ماهانه و فصلنامه چیست. اینها همه، صرف نظر از برخی تفاوتها از حیث شکل و محتوا زیر نام کلی مطبوعات دوره ای یا ادواریها (periodicals) دسته بندی می شوند، با وجود این، این گفته کافی نیست. به عقیده ی پیرآبر، در جهان روزنامه ها و مجلات، طبقه بندی بر حسب نوع است و که و بیش حالت دلخواهانه دارد، زیرا گروه بندب عنوانها و ستونها باعث می شود که شخصیت واقعی طبوعات پوشیده بماند و اصالت آنها نیز نادیده گرفته شود در حالی که توجه به تفاوتهای اصولی هر نشریه با نشریات رقیب بهتر می تواند مشخص کننده ی خصوصیات آن باشد. طبعا ضوابط طبقه بندی مطبوعات متعدد است. یکی آنکه به طور کلی نشریات را بر حسب دوره ی انتشار (روزانه، هفتگی، ماهانه و غیره) طبقه بندی کنیم که کاری است خالی از دقت و ظرافت. طریقه ی دیگر، ملاک قرار دادن شکل ظاهری است (از قبیل قطع و شیوه های چاپ، صفحه آرایی، تعداد صفحات، بها و نحوه ی عرضه کردن مطالب) که باز هم نم تواند آشکار کننده ی طبیعت واقعی

نشریه ای باشد و بالاخره طبقه بندی بر حسب نوع و کیفیت و محتوا یا گروه خوانندگان که بیشتر معمول است ولی باز هم نمی تواند کاملاً موثر و عملی باشد<sup>(9)</sup>. وی همچنین یادآور می شود که به طور کلی می توان مجموعه اشخاص بالغ [با سواد] را مشتری و خواننده ی روزنامه های یومیه به شمار آورد ولی در مورد مجلات وضع به گونه ای دیگر است و هر نوع و هر گروه از مجلات، مشتریانی خاص خود دارند که معمولاً به یک گروه مشخص جامعه ارتباط می یابند<sup>(10)</sup>.

پیرآبر عقیده دارد که مطبوعات را بر حسب زمان انتشارشان به دو دسته کلی طبقه بندی می کنند: 1. مطبوعات دوره ای؛ 2. مطبوعات غیر دوره ای. دسته اول به طور اعم برای روزنامه، مجلات هفتگی، ماهانه و فصلنامه به کار برده می شود اما به طور اخص منظور از مطبوعات دوره ای همه ی نشریاتی است که به طور غیر روزانه،

■ نخستین نشریه علمی منتشر شده در ایران نیز دولتی بود و توسط وزیر علوم وقت و تحت نظارت صنایع الملک، ریاست اداره مطبوعات دولتی در تهران منتشر می شده است.

■ روزنامه علمیه ایران را بیشتر می توان یک «مجله» دانست تا «روزنامه»؛ هر چند که به عنوان آن «روزنامه» ذکر شده است.

یعنی در فاصله هلی زمانی معین (هفته، دو هفته، ماه، دو ماه، فصل و سال و غیره) انتشار می یابند و در مورد نشریاتی که هر روز منتشر می شوند واژه روزنامه (newspaper) را به کار می برند. نشریات غیر دوره ای نشریاتی هستند که در زمان خاص و معینی انتشار پیدا نمی کنند نظیر کتابها، رساله ها، جروا و غیره. آبر در زمینه اقسام مطبوعات دوره ای - تا اینجا این نکته به نحوی روشن است که نشریه علمیه دولت علیه ایران دوره ای بوده است - نیز تاکید دارد که هر نوع طبقه بندی در این زمینه قراردادی و مصنوعی است و ضوابطی که برای آن می توان قایل شد متعدد است. یکی از منطقی ترین ضوابط، که با طبیعت مطبوعات نیز سازگارتر است، رابطه مندرجات یک

نشریه با خبرها و وقایع روز است. با توجه به این ضابطه می توان نشریات دوره ای را به طور قراردادی به سه طبقه عمده تقسیم کرد: 1- مجلات خبری - اطلاعاتی (عمومی یا اختصاصی)؛ 2. مجلات یا نشرات سرگرم کننده یا خواندنیهای عمومی به زیا ساده و عامه پسند؛ 3. نشریات مستند (11).

با توجه به اینکه نخستین نشریه علمی ایران با نوع سوم از طبقه بندی پیرآلبر بیشتر مطابقت دارد به ویژگیها و خصوصیات این نوع از نشریات دوره ای از دیدگاه وی بیشتر می پردازیم. به عقیده وی معمولا این مجلات مشتریان محدود و خاصی دارند زیرا، بر حسب طبیعت خود، فقط معدودی اهل فن که نیازمند کسب اطلاعات جدید در زمینه فن و دانش و فعالیتهای اجتماعی، فرهنگی یا سیاسی خویش هستند از مقالات آن بهره می برند. با وجود این می توان گفت که این مجلات با تنوع و گستردگی زمینه هایشان حتی بیش از انواع کتابها تخصصی در پیشرفت و توسعه دانش امروزی موثرند. علاوه بر این مجلاتی وجود دارند که ناشر افراد

گروههای تحقیقاتی، فلسفی و ادبی به شمار می روند و یا جنبه های کاملا تخصصی دارند و مطالب آنها جز برای اهل فن قابل استفاده نیست، با وجود این، مجموعه این قبیل مجلات از قاعده ای کلی پیروی می کنند و ان درج مطالب مستندی است که بتوان در زمینه های مختلف علمی بدانها استناد جست و از هر یک از مطالب آن به عنوان یک سند علمی بهره گرفت (12).

در باره نشریات علمی، گونه ای دیگر از طبقه بندی بر اساس مخاطبان آنها رایج شده است که از این دیدگاه سه نوع نشریه علمی را می توان از یکدیگر تمیز داد: 1. نشریاتی که مطالب علمی خود را برای عامه مردم می نویسند و به اصطلاح می خواهند علوم را «عامه فهم» کنند؛ 2. نشریات علمی که به صورت دری است و برای دانش آموزان کلاسهای بالای دبیرستان و احیاناً دانشجویان نوشته می شوند؛ 3. نشریات علمی که برای محققان و دانشمندان نوشته می شوند (13).

در پژوهشی که در سال 1370 در زمینه نشریات علمی ایران انجام شده



است، محقق ضمن بررسی تعاریف مختلف از منابع متعدد درباره تعریف نشریات علمی، به این نتیجه رسیده است که: نشریات علمی مجلاتی هستند که به انعکاس پژوهشها، مطالعات و مقالات در جهت اشاعه آموزش یا رشد علمی در زمینه های علوم تخصصی-علوم انسانی، فنی و مهندسی، پایه، کشاورزی و پزشکی - می پردازند (14).

تا بدینجا به اختصار اشاره ای به برخی از طبقه بندیهای مطبوعات خصوصا نشریات علمی نمودیم، حال بدنیست که تعریفی نیز از کلمه «مجله» ارائه دهیم تا شاید از این رهگذر بتوانیم به مقصود خود نزدیکتر شویم. درباره کلمه مجله در لغت نامه دهخدا چنین آمده است: «آنچه که همچون کتاب و رساله از اخبار و موضوعات و مقالات مختلف هفته ای یا پانزده روزی یا ماهی و جز آن طبع کنند و انتشار دهند» (15). دهخدا علاوه بر این در همانجا، آن را صحیفه حکمت؛ کتاب حکمت و ادب و یا صحیفه که در آن حکمت باشد نیز دانسته است.

چنانکه ملاحظه می کنیم این تعریف بسیار عام و گسترده است.

استاد فقید محیط طباطبائی در مبحثی تحت عنوان «روزنامه ها یا نشریه های زماندار» با اشاره به اینکه «روزنامه» چنانکه از نامش دریافت می شود در فاصله روزهایی از هفته باید به چاپ برسد به نوع دیگری از این نشریه ها اشاره دارد که به نظر وی آن را به زبان فرانسسه مطبوعات دوره ای (پرس پریودیک) و در عربی صُحُفٌ مُوقُوفَةٌ می خوانند و بارزترین شکل این گونه نشریات را «مجله» می داند که ممکن است ماهیانه و فصلی و دو ماهه و شش ماهه باشد و یا در میان شماره های متوالی آن فاصله های زمانی متفاوت وجود داشته باشد. وی در ادامه اضافه می کند که راجع به نشر مجله در اروپا و آمریکا بحثی نداریم زیرا همان طور که ظهور چاپ روزنامه در آنجا تقدم ممتد زمانی بر ایران داشته، مجله هم سابقه طولانی تری دارد. از یکصد سال پیش یا قدری کمتر در بیروت کلمه مجله را که به معنی «صحیفه حکمت» یا نوشتن دانش و خبر در فرهنگهای ربان عربی به

ترکی عثمانی معتقد است که ابتدا در مورد مجموعه قوانین معمول در محاکم رسمی به صورت مجله الاحکام بهکار می رفته و بعدا در این زیان نیز به معنی نشریات زماندار مرسوم و معمول شده است. او سپس اضافه می کند که به طور کلی باید در نظر گرفت که کلمه «مجله در زبانهای عذبی و ترکی و فارسی متوالیا در برابر لفظ «روروی» فرانسه به کار برده شد و نخستین بار در ایران روزنامه ای که به این نام و نشان و کیفیت انتشار یافت مجله بهار در سال 1328 هـ ق بود. در دوره ناصری روزنامه ملتی و روزنامه علمی و روزنامه علمی، مریخ، دانش، مجموعه گمجینه فنون عهد مظفری از حیث مدلول و وضع انتشار، حکم مجله را داشتندولی بدین نام معروف نشدند، در صورتی که روزنامه های ملتی و علمی که در فاصله 1280 و 1287 هـ ق به طور ماهانه چاپ و نشر می شدند از حیث مندرجات خود در سطح مجله های اختصاصی قرار داشتند. با وجود این چون به نام «مجله» موسوم نبودند. پس باید مجله بهار را نخستین نشریه فارسی دانست که به



کار می رفت. برای این گونه مطبوعات دوره ای زماندار به کار بردند. به نظر او مجله مانند کلمه های مظنه و مبره لفظی عربی الاصل و مشتق از ریشه جل است که باید از زبانهای آرامی و عبری و سریانی به عربی وارد شده باشد. به هر صورت، ابراهیم یازجی، ادیب لغوی معروف لبنانی، نخستین بار این لفظ را از مورد خاص لغوی آن که «صحیفه حکمت» باشد برگرفت و در برابر مطبوعات دوره ای و زماندار به کار برد و کجله الطب بیروت را در 1884 [یعنی دقیقا بیست سال پس از انتشار نخستین نشریه هلمی در ایران] بدین نام انتشار داد. وی همچنین درباره این لفظ در زبان

اسم و رسم و شکل مجله یا «رورو» در ایران منتشر شد. (16).

با توجه به نکات مذکور به ویژه نظرات استاد محیط طباطبائی، اگر بخواهیم به نتیجه گیری پردازیم می توانیم بگوییم که روزنامه علمیه دولت علیه ایران را بیشتر می توان یک «مجله» دانست تا «روزنامه» هر چند که عنوان آن «روزنامه» ذکر شده است. همان گونه که استاد محیط یادآور شده اند کلمه مجله به عنوان نشریه زماندار از 1884م.

یعنی بیست سال پس از انتشار نخستین نشریه علمی در ایران، ابتدا در لبنان به کار رفته و سپس در ایران برای مجله استبداد در 1325 استفاده شده است، اما

این مجله از نظر وی هیچ گونه شباهتی به مجله نداشته و نشریه ای جریده مانند بوده است. بنابراین براساس نکاتی که در فوق آوردیم و همچنین نگاهی گذرا به محتوای مقالات و مندرجات نشریه مورد بررسی، و شرایط علمی - فرهنگی آن روز ایران شاید بتوانیم این نشریه را مجله ای علمی بدانیم البته با ذکر این نکته که مطالب و مقالات این مجله فقط به یک رشته علمی اختصاص نداشته است

و چنانکه از محتوای آن بر می آید در زمینه های نجوم، ریاضی، فیزیک، سکه شناسی، تاریخ، جغرافیا، کیمیا و پزشکی مقاله داشته است و هر شماره در یکی از این حوزه های علمی، مقاله منتشر می کرده است. علاوه بر این بد نیست اشاره کنیم که محسنیان راد و محمد جعفری در مقاله خود تحت عنوان «مجلات علمی تخصصی ایران» از این نشریه به عنوان «نخستین مجله علمی ایران» یاد کرده اند، لیکن آن را مجله ای علمی برای «عامه» به حساب آورده اند (17). و ادوارد براون نیز همان گونه که بیشتر خاطر نشان کردیم این نشریه را نخستین «نشریه» علمی به زبان فارسی دانسته است.

#### مشخصات ظاهری روزنامه علمیه

نخستین شماره روزنامه علمیه دولت علیه ایران به تاریخ دوشنبه، بیست و هفتم دی ماه سنه 785 ناقصه جلالی در شش صفحه منتشر شده است که در صفحه اول و نیمی از صفحه دوم آن، مطالب به زبان فارسی و به خط نستعلیق زیبایی نگاشته شده و نیمه دیگر صفحه

دوم سفید باقیمانده است. صفحه سوم این شماره به زبان عربی است که به ترجمه همان مطلب فارسی اختصاص یافته و در ابتدای آن تاریخ «یوم الاثنین غزه شعبان المعظم سنه 1280 الهجریه» آمده است و به خط نسخ خوشی تانیمه صفحه چهارم ادامه یافت و نیمه دیگر این صفحه نیز سفید رها شده است. صفحات جنم و ششم این شماره به طور کامل به زیان فرانسه تخصیص یافته و ترجمه مطلب فارسی به این زبان در آن درج شده و تاریخ 11 ژانویه 1864 م. را بر خود دارد.

این نشریه به سه زبان فارسی، عربی و فرانسه منتشر می شده و قطع آن 26 در 40 سانتی متر و تعداد صفحات آن متغیر بوده و برخی از شماره های آن تا 17 صفحه بالغ می شده است. قیمت تک شماره آن چنانزده شاهی ذکر شده و در ابتدای سال سوم تاسیس، قیمت اشتراک سالیانه آن بانضمام روزنامه دولتی، سه تومان و شش هزار دینار تعیین شده است.

نشریه علمیه با چاپ سنگی در «منطبعه کارخانه دولتی در دارالخلاقه

طهران» در مدرسه دارالفنون به طبع می رسیده و در برخی از شماره های آن این عبارت نیز آمده است: «منطبعه دارالخلاقه ناصره درکارخانه دارالانطباع دولتی در مدرسه مبارکه دارالفنون» یا «منطبعه دارالخلاقه الباهره طهران در دارالطباعه دولتی در مدرسه مبارکه دارالفنون».

عنوان اصلی این نشریه که در تماس شماره های موجود تکرار شده چنین است: «روزنامه علمیه علیه ایران». این نشریه پس از عنوان خود در نیمه اول صفحه اول، تصویری از منظره نمای شمالی عمارت دارالفنون را با ساعت مخصوص آن آورده و از 1280 تا 1287 هـ.ق، چنجاه و سه شماره در طول مدت هفت سال انتشار یافته که سه هر ماه کمتر از یک شماره می شود، البته مدتی نیز انتشار آن توقف داشته است. به نظر محیط طباطبائی این نشریه سه سال پیش از دستور تفکیک «دولت علیه» زیر نظر اعتضادالسلطنه شروع به انتشار کرده و تا سال 1281 هـ.ق. هفده شماره از آن به چاپ رسیده ولی شماره 18 آن در محرم 1283 و مقارن با موضوع

تفکیک انتشار یافته و معلوم می دارد که در سال 1282 تعطیل بوده است. نوبت دوم انتشار آن با روزنامه دولتی و روزنامه ملت سنیه که از شماره سوم به بعد به نام روزنامه ملتی نامیده شد در 1283 آغاز و تا 1287 چاپ و نشر می شده است (18).

صدر هاشمی، تصویر سرلوحه این نشریه را سر در عمارت شمس العماره تهران خاطر نشان کرده (19) که احتمالاً اشتباه است. به هر حال چنانکه تصویر سرلوحه این نشریه نشان می دهد ساعت بزرگی در وسط و دوشیر و خورشید در دو طرف آن منقوش شده است. در پایین تصویر نیز سه نفر قراول و همچنین قراول دیگری دم در ایستاده

روزنامه دولتی علیه ایزان



و نقش حوضی با دو توپ که عکس آنها در آب حوض منعکس شده، دیده می شود. این تصویر به نقاش ماهر عصر ناصری، ابوالحسن خان غفاری نسبت داده شده است و از آثار با ارزش هنری این عهد به شمار می آید.

به عقیده محیط طباطبائی، مسوول تحریر و ترجمه بخش فرانسه آن موسیو ریشار، معلم زبان فرانسه دارالفنون، بوده و فارسی آن را هر کس که می نگاشته، ظاهراً چنین وانمود می کرده که اعتضاد السلطنه آن را می نویسد. در موضوعات ریاضی، نجوم و تقویم از ملا علی محمد اصفهانی پدر میرزا عبدالغفار و میرزا عبدالوهاب، منجمان معروف درباری قطعاً استفاده می شده که مادام الحیات سمت معلمی و همنشینی اعتضاد السلطنه را داشت. عبارات بخش عربی آن نشان می دهد که مترجم از فضلالی ایرانی آشنا به زبان عربی اهل علم بوده و آثار نارسایی و نفوذ ترکیبات فارسی در آن نمودار است. فارسی آن هم چندان فصیح و رسا نیست. و از زبان ترجمه بیش از تحریر بهره می برد (20).

از انتشار نخستین روزنامه تامدتی طولانی پس از آن، انتشار مطبوعات غیر دولتی متداول نبوده و حکومت‌های استبدادی قاجاری اجازه چنین امری را نمی‌داده‌اند و نخستین نشریه علمی منتشر شده در ایران نیز دولتی بود و توسط وزیر علوم وقت و تحت نظارت صنایع الملک، ریاست اداره مطبوعات دولتی در تهران منتشر می‌شده است. علاوه بر این، یا آنکه طبق دستور ناصرالدین شاه ماموران دولتی و ادارات به اشتراک روزنامه‌های دولتی مجبور بودند، تیراژ آنها بسیار محدود بود و در واقع فقط بین روسای ادارات به اشتراک روزنامه‌های دولتی مجبور بودند، تیراژ آنها بسیار محدود بود و در واقع فقط بین روسای ادارات و کتابخانه‌ها و عده‌ای از تحصیل‌کردگان پخش می‌شد. به عقیده مولانا، روزنامه در بین روحانیان و طبقات تجار و پیشه‌ور وسیله فرهنگی محسوب می‌شد و این برداشت عاملی در منبع پخش و افزایش تیراژ روزنامه در ایران بشمار می‌رفت. تیراژ روزنامه در سال 1867 م. از 1115 نسخه تجاوز نمی‌کرده است<sup>(21)</sup>.

**محتوا و مندرجات روزنامه علمیه**  
برای رعایت اختصار در اینجا فقط به ذکر بخشی از سرمقاله‌ی این نشریه و در ادامه در جدولی به محتوای کلی نسخ موجود آن اکتفا می‌کنیم. به دنبال تصویر نمای داللفنون که پیش از این آن را وصف کردیم سرمقاله که هدف و مقصود از انتشار نشریه را روشن می‌سازد، بدون هیچ عنوان و تیتراژ، این گونه شروع شده است: «چون منظور نظیر کمیا اثر اعلیحضرت قدر قدرت اقدس ضل‌اللهی ولینعمت کل ممالک محروسه‌ی ایران تربیت و ترقی ملت و دولتست و رواج علم و صنعتی از علوم و صنایع که در ازمنه سالفه در ایران بوده و سایر دول آن را تحصیل و تکمیل کردند یا علم و صنعتی که در این دولت ابد مدت از دول خارجه بایران و نقل و تحویل شده یا سایر اخبار مفیده جدیده چنانکه باید در مردم آشکار نیست برای استحضار عموم خلایق و انتشار عموم که فواید بزرگ بر او مترتب است از جانب سنی‌الجوانب شاهنشاهی حکم محکم قدرقوام با اعتضادالسلطنه وزیر علوم و صنایع صادر گشت که روزنامه علمیه در هر

ماهی یک مرتبه سمت انطباع یا بد تا مطالعه کنندگان را از آن فایده و بهره کلی حاصل شود».

«علوم و صناعات هر وقتی از اوقات و زمانی از ازمه در یکی از امکنه عالم شیوه و رواج داشته بعد از مدتی به مملکت دیگر نقل شده... بعد از انقراض دولت عجم علم را در ایران رونق نبود در دولت صفویه رواجی خاص پیدا کند دوامی نکرد در ابتدا دولت روزافزون قاجاریه اول ترقی و علم بود ولی نه چندان تا هنگام ظهور... ناصرالدین شاه قاجار... که تا ابد پاینده باد و کوکب اقبالش از ملک سلطنت تابنده روز به روز و آن بآن سلطنت علوم و صنایع در ترقی است چنانچه تفاضیل آن بعد از این در روزنامه ای بعد انشاء الله ثبت و مندرج خواهد شد».

#### بررسی جامعه شناسی-تاریخی دوره

##### انتشار نخستین نشریه علمی در ایران

فریدون آدمیت با اشاره به اقدامات و تصمیمات و افکار بلند نظرانه امیرکبیر، دوران پس از او را اینگونه توصیف می کند. «بابر افتادن دولت امیرکبیر... چرخ

دستگاه اصلاح و ترقی از گردش بازماند. به حقیقت علیه آن خیز تاریخی، کشور راه قهقرا گرفت. از پایان عصر میرزا تقی خان (محرم 1268) تا آغاز دولت سپهسالار (1287) بیست سال گذشت - بیست سالی که سه مرحله مختلف و متمایز را پیمود: 1. فترت هفت ساله: صدارت اعتمادالدوله نوری، از محرم 1268 تا محرم 1275؛ 2. ترقیخواهی سه ساله؛ تلاش ناتمام، از 1275 تا 1278؛ 3. بحران ده ساله: بحران سیاسی و اقتصادی، از 1278 تا 1287» (22)

ولی همچنین پیرامون دوره ترقیخواهی سه ساله با اشاره به اینکه اندیشه اصلاح جلوه ای تازه یافت و به سرعت در دستگاه دیوان نمایان شد، می افزاید: «زمینه تحول عقلانی این دوره را از دو کتاب بدست می دهیم. یکی «حکمت ناصریه» یا «کتاب دیاکرت» که ترجمه رساله نامدار دکارت «گفتار در روش بکار بردن عقل» است. دیگر «فلک السعاده» نوشته علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه وزیر علوم. این وزیر دانشمند در انتشار رساله دکارت هم

دست داشت...»<sup>(23)</sup> به دنبال یک دوران بسیار کوتاه اما نسبتاً درخشان است که شاهد پیدار شدن چهار روزنامه که یکی از آنها نخستین نشریه علمی ایران به دست وزیر دانشمند بوده هستیم. مروری کوتاه بر محتوای این نشریه، کم و بیش آشکار ساخت که بیشترین مقالات آن در زمینه نجوم بوده است. حال بعد نیست که برای روشن شدن این نکته به چند مجله دیگر به نقل از آدمیت اشاره کنیم. وی درباره فلک السعاده تالیف علی قلی میرزا چنین می نویسد: «فلک السعاده معرف فکر علمی - تحلیلی نویسنده است. رساله اش را بر پایه تحقیقات نیوتن و با توجه به آرای دانشوران پیشین (خاصه بیرونی و فارابی) پرداخته. احکام نجومی را سرریه سر بی معنی می داند، معتقد به اصالت و عمل و اختیار آدمی است، و دشمن خرافات پرستی. می گوید: کواکب کیهانی خواه بنا بر هیئت بطلمیوسی و خواه به اعتقاد «حرکت عرض بنا بر هیئت جدیده صحیحه» در هیچ گونه حوادث موثر زمین نیستند؛ و اساساً اختلافی در طبع اجرام فی حد ذاته نیست. در واقع

احکام منجمان جزء اقایبل کاذبین و اساطیر الاولین نیست... این احکام نجوم و اخبار رمال و جفال، کذب محض است.»<sup>(24)</sup> از این مختصر می توان استنباط کرد که منظور نظر علی قلی میرزا در پرداختن بالنسبه زیاد به «نجوم» در روزنامه علمیه مبارزه باطرز اندیشه غلطی بوده است که از دیدگاه وی در این زمان شیوه داشته است و نه ترویج آن.

■ می توان انتشار نخستین نشریه علمی ایران را در آن زمان، علی رغم تمامی کاستیها یش، گامی مثبت تلقی کرد که بدون وجود افرادی معدود، روشن بین و دوراندیش نمی توانسته است صورت تحقق بیذیرد.

آدمیت در مبحثی تحت عنوان «در تحول روزنامه نگاری» چنین آورده است: «در دوره بلافصل پیش از سپهسالار، چهار روزنامه دایر بودند - روزنامه های کم ارزش و بیهوده نویس، مگر روزنامه علمیه که به نسبت سودمند بود...»

اصطلاحات و اقدامات امیرکبیر آغاز کرده بود هر چند تداوم نیافت و بار



دیگر اوضاع کشور رویه و خامت گذاشت اما ثمره و نتیجه برخی از اقدامات او زمینه ساز تحولات اجتماعی و بیداری افکار عمومی شد، از جمله بهبود اوضاع ارتباطی و زیر ساختهای مربوط به آن باعث شد تا راه برای پیشرفتهای فکری و فرهنگی هموار شود.

چارلز عیسوی می نویسد: «... تلاشهایی که امیر کبیر صدر اعظم نوگرا برای ایجاد کارخانه های صنعتی انجام داد با شکست روبرو شد ولی بعضی از اصلاحات اداری و آموزشی وی پایا بود. به ایران سال 1862 م. بر می گردیم که سفیر فرانسه آرتوردوگوبینو پس از چهار سال غیبت، علائمی از پیشرفت نظیر سازندگی زیاد، تاسیس جاده ها، بهبود خدمات پستی و خدمات انتقال وجوه بین شهرها را گزارش کرده است.» (26) وی همچنین درجایی دیگر با اشاره به اینکه کاهش شدید محصول و ابریشم یعنی مهمترین کالای صادراتی در اواخر 1860، خشکسالی های پیاپی، سقوط ارزش نقره و سقوط شدید نرخ های جهانی مواد اولیه در این سالها بر اقتصاد ایران تاثیر فزاینده منفی گذاشت

می افزاید: «ضمناً راه های ارتباطی ایران با دنیای خارج، با برقراری خطوط تلگرافی به اروپا و راه افتاده کشتیهای تجاری در دریای خزر و خلیج فارس رو به بهبود گذاشت...» (27) از این رو می بینیم که هر چند اوضاع اقتصادی ایران در سالهای مقارن با انتشار نخستین نشریه علمی بسیار بد توصیف شده لیکن از نظر زیر ساخت های ارتباطی که لازمه توسعه و گسترش مسائل علمی و فرهنگی است بهبود نسبی یافته است.

چالز عیسوی، جمعیت ایران را در میان نشر نخستین نشریه علمی ایران به نقل از هامبلی و بیمونت 5 میلیون نفر ذکر کرده است و به نقل از تامسون در آوریل 1868 می نویسد: «... جمعیت ایران امروزه از 5 میلیون نفر تجاوز نمی کند و در عین حال احتمال دارد که این رقم بالاتر از 4 میلیون نفر هم نباشد...» (29) تامسون ترکیب جمعیت ایران را از لحاظ شهری و غیر شهری بودن اینگونه ذکر کرده است: «ساکنین شهرها 1700000 نفر، جمعیت عشایر 1700000 نفر، باقی سکنه 1700000 نفر و کل جمعیت نیز 4400000 نفر.» (30) نگاهی

گذرا به ارقام و داده های فوق به نحوی نشان می دهد که تقریباً چهار پنجم جمعیت ایران - به استثنای ساکنین شهرها - هیچ گونه دسترسی و آمادگی برای و دریافت مطبوعات نداشته اند و حتی اکثریت یک پنجم باقی مانده ساکن شهرها نیز از بُعد سواد و بویژه درآمد توانایی آنرا نداشته اند که به این گونه امور پردازند. برای درک بهتر موضوع به وضعیت سواد در ایران قرن نوزدهم هم نیز نگاهی می افکنیم. عیسوی یادآور می شود که در ایران نیز «... همانند مصر و ترکیه، هیاتهای دانشجویی به اروپا اعزام می شد ولی میزان آنها بسیار کم بود. در سال 1811م. شدند تا در زمینه ی شعب مختلف علوم و صنعت به تحصیل پردازند. در سال 1844م. پنج نفر دیگر به فرانسه اعزام گردیدند. چند نفر دیگر هم به خرج خود راهی اروپا شدند و در سال 191م. حدود 500 نفر دانشجوی ابرانی در اروپا وجود داشت. تاسیس دارالفنون مدرسه جدید ایران در سال 1851م. اهمیت زیادی نداشت و بنای دانشگاه تهران در سال 1901م. شروع شد...» (31) وی در جایی دیگر میزان

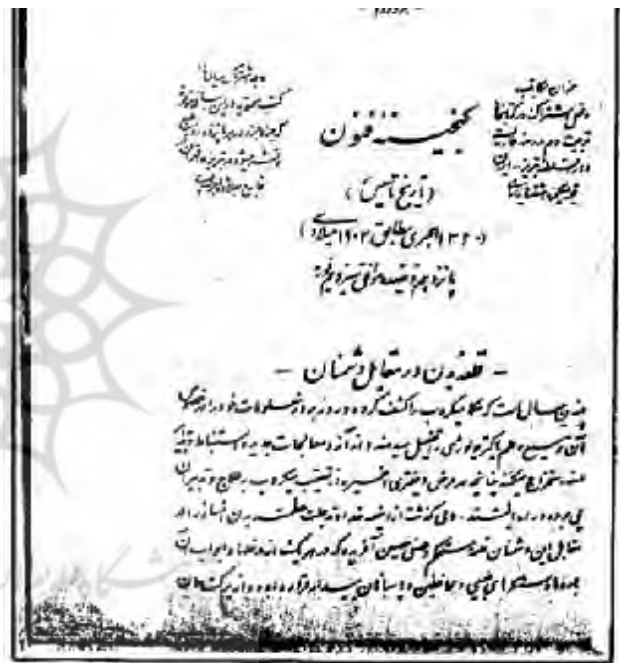
بیسوادی را بسیار بالا ذکر می کند و اشاره می کند که آمارگیری سال 1956م. یعنی تقریباً یک قرن پس از انتشار نخستین نشریه علمی، مبین این امر است که فقط 15 درصد ایرانیانی که بیش از ده سال داشتند با سواد بودند. (32)

علاوه بر این لازم است که به وضعیت قدرت خرید و میزان درآمد مردم در زمان انتشار روزنامه ی علمیه نیز مختصراً اشاره ای بکنیم. کنسول بریتانیا در رشت در سال 1878م. / - مدتی پس از انتشار نشریه - ضمن توصیف آنکه گیلان از جمله ایالاتی است که از رفاه استثنایی برخوردار است می نویسد: «با توجه به دستمزدها در سال 1873م. یک نفر کارگر روز مرد در رشت 8 تا 10 شاهی دریافت (5.4 دینار) می کرد، نجاران و بناها 2 قران می گرفتند. در سال 1878م. دستمزد کارگران کشاورزی به طور متوسط روزانه 3 دینار بود...» (33) حال اگر این ارقام را با قیمت یک شماره ی روزنامه

چگونگی تاریخ انتشار، حجم تقریبی و موضوع هر یک از شماره های موجود روزنامه علمیه دولت علیه ایران

شماره نشریه	تاریخ انتشار	تعداد صفحات	موضوع
1	1 شعبان 1280 هـ / 11 ژانویه 1864 م.	6 ص (1/5 ص فارسی / 1/5 ص عربی / 2 ص فرانسه)	تاریخ علم
2	1 رمضان 1280 هـ / 9 فوریه 1864 م.	12 ص (5 ص فارسی / 3 ص عربی / 4 ص فرانسه)	تاریخ نجوم
3	1 شوال 1280 هـ / 10 مارس 1864 م.	12 ص (3 ص فارسی / 3 ص عربی / 6 ص فرانسه)	نجوم
4	1 ذی‌عقده 1280 هـ / 8 آوریل 1864 م.	13 ص (5 فارسی / 3 ص عربی / 6 ص فرانسه)	نجوم
5	1 ذی حجه 1280 هـ / 1 مه 1864 م.	13 ص (3 ص فارسی / 3 ص عربی / 6 ص فرانسه)	پزشکی / حساب و هندسه
6	1 محرم 1281 هـ / 6 ژوئن 1864 م.	17 ص (4 فارسی / 3 ص عربی / 9 ص فرانسه)	تاریخ، نجوم
7	1 صفر 1286 هـ / جولای 1864 م.	13 ص (4 ص فارسی / 3 ص عربی / 6 ص فرانسه)	نجوم
8	1 ربیع الاول 1281 هـ / 5 اوت 1864 م.	12 ص (5 ص فارسی / 2 ص عربی / 5 ص فرانسه)	تاریخ، نجوم، ارتباطات
9	1 ربیع الثانی 1281 هـ / 4 سپتامبر 1864 م.	12 ص (3 ص فارسی / 3 ص عربی / 6 ص فرانسه)	هیئت و نجوم
10	1 جمادی الاول 1281 هـ / 3 اکتبر 1864 م.	7 ص (2 فارسی / 1/5 ص عربی / 3/5 ص فرانسه)	تاریخ، صنعت
11	1 جمادی الثانی 1281 هـ / 2 نوامبر 1864 م.	15 ص (5 فارسی / 1/5 ص عربی / 6/5 ص فرانسه)	جغرافیا، نجوم
12	1 رجب 1281 هـ / 7 دسامبر 1864 م.	8 ص (2/5 فارسی / 1/5 ص عربی / 4 ص فرانسه)	نجوم
13	1 شعبان 1281 هـ / 31 دسامبر 1864 م.	11 ص (3 فارسی / 3 ص عربی / 5 ص فرانسه)	سکه شناسی
14	1 رمضان 1281 هـ / 29 ژانویه 1865 م.	9 ص (3 فارسی / 2 ص عربی / 4 ص فرانسه)	سکه شناسی
15	1 شوال 1281 هـ / 27 فوریه 1865 م.	7 ص (2 فارسی / 2 ص عربی / 3 ص فرانسه)	هیئت و نجوم
16	1 ذی قعدة 1281 هـ / 29 مارس 1865 م.	5 ص (1/5 فارسی / 1/5 ص عربی / 2 ص فرانسه)	جغرافیا، تاریخ
17	1 ذیحجه 1281 هـ / 27 آوریل 1865 م.	8 ص (2 فارسی / 2 ص عربی / 4 ص فرانسه)	دینی - مذهبی
18	1 محرم 1283 هـ / ؟	؟	؟
23	1 جمادی الثانی 1283 هـ / ؟	؟ (2 فارسی / ؟ / ؟)	کیمیا (شیمی)
26	1 صفر 1284 هـ / 4 ژوئن 1867 م.	7 ص (2 فارسی / 1/5 ص عربی / 1/5 ص فرانسه)	جغرافیا، نجوم
28	1 ربیع الثانی 1284 هـ / ؟	؟ (2 فارسی / ؟ / ؟)	علم لغت
30	1 جمادی الثانی 1284 هـ / ؟	؟ (ناقص)	نجوم
34	1 شوال 1284 هـ / 27 ژانویه 1868 م.	7 ص (2 فارسی / 2 ص عربی / 3 ص فرانسه)	پزشکی و دامپزشکی
35	1 ذی‌عقده 1284 هـ / 25 فوریه 1868 م.	7 ص (2 فارسی / 1 ص عربی / 4 ص فرانسه)	پزشکی و دامپزشکی
37	1 محرم 1285 هـ / 25 آوریل 1868 م.	8 ص (2/5 فارسی / 1/5 ص عربی / 4 ص فرانسه)	تاریخ، مذهب
40	1 ربیع الثانی 1285 هـ / ؟	؟ (ناقص)	کشاورزی

علمیه که 15 شاهی بود مقایسه کنیم می بینیم که برای تهیه یک نسخه از آن یک کارگر روز مزد می بایست دستمزد دو روز خود رات به طور کامل می پرداخت و یک کارگر کشاورز نزدیک به دستمزد سه روز خود را. جالب آنکه این وضعیت بهترین ایالت در آن زمان بوده است.



با در نظر گرفتن نکات فوق و مسایلی چون استبداد سیاسی، بی کفایتی حکام، اوضاع آشفته سیاسی و اجتماعی، رقابت دو کشور استعمارگر اروپایی انگلستان و فرانسه از یک سو و همسایه شمالی یهنی روسیه از سوی دیگر برای دست اندازی به ایران، فقر اقتصادی، پراکندگی

زیاده از حد جمعیت و اصولاً کمی جمعیت، بیسوادی، نبود شرایط مناسب و زیرساختهای کافی و غیره در یک مجله می توان گفت اوضاع و شرایط مطلوبی باری انتشار مطبوعات و گسترش و شکوفایی آنها به ویژه نشریات علمی در زمان انتشار نخستین نشریه علمی ایران وجود نداشته است. بنابراین، با وجود این موقعیتی که توثیف و تشریح کردیم کی توان انتشار نخستین نشریه علمی ایران را در آن زمان، علی رغم تمامی کاستیها وضعیتهایش، گامی مثبت تلقی کرد که بدون وجود افرادی معدود، روشن بین و دور اندیش نمی توانسته است صورت تحقق بپذیرد.

اکنون یکصد و سی و یک سال از انتشار نخستین نشریه علمی که در ایران انتشار یافته است می گذرد و در طی این مدت، جامعه ما از نظر ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ارتباطی، دچار تحول و دگرگونیهای کم و بیش اساسی شده است. حال بد نیست که چند سوال اساسی در این زمینه مطرح کنیم و اگر نی توانیم بدانها پاسخ دهیم دست کم بدانها بیندیشیم: 1. نشریات علمی طی این

ارتباطات 1990،» (اقتباسی از گزارش مبانی ارتباطات 1990 توسط یونیسکو). رسانه، سال 2، ش 1، بهار 1370، صص 64-60.

2. روزنامه های فارسی زبانی که در هندوستان پیش از انتشار اولین روزنامه در ایران منتشر می شدند عبارت بودند از: اخبار، هندوستانی، سلطان الاخبار، مهرنیر، مرات الاخبار، شمس الاخبار، سیدالخبار. دو مورد نخست قریب سی سال پیش از ظهور روزنامه میرزا صالح منتشر شده اند. برای اطلاع بیشتر ر.ک: معتمد نژاد، دکتر کاظم. روزنامه نگاری - با فصلی جدید در روزنامه نگاری معاصر. تهران، سپهر، چاپ سوم، 1368، صص 9-448؛ آرمیت، فریدون. امیرکبیر و ایران. تهران: خوارزمی، چاپ سوم، 1348، صص 3-362؛ نفیسی، سعید. ایرانشهر: نشریه کمیسیون ملی در ایران. تهران: 1343. جلد دوم، ص 1248؛ مولانا، حمید. سیر ارتباطات اجتماعی در ایران. تهران: دانشکده ی علوم ارتباطات اجتماعی، 1358، صص 8178.

3. مولانا، حمید. سیر ارتباطات اجتماعی در ایران. تهران: دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، 1358، صص 81-78.

4. محیط طباطبایی، سید محمد. تاریخ مطبوعات ایران. تهران: بعثت، 13696، ص. 63.

5. همان. صص 65-63.

6. محسنبان راه، مهدی و محمد جعفری، سعیدو «مجلات علمی تخصصی ایران» رسانه، س 2، تابستان 1370، ص. 23.

مدت چه فرازها و تشبیهایی پیمودند؟ 2. چه نقش و کارکردی در تحرک و پویایی علمی و فرهنگی جامعه ایفا کرده اند؟ 3. دلایل موفقیت یا شکست آنها و همچنین آثار مثبت یا منفی آنها در ابعاد مختلف اجتماعی چه بوده است؟ 4. چه نقش و جایگاهی در دگسترش علم در دنیا داشته و اینک دارند و چه جایگاه و منزلتی در جامعه برخوردار هستند؟ 5. چگونه می توان از این رسانه ها برای پویایی و تحرک علمی - فرهنگی جامعه بهره گرفت؟ 6. کدام نشریات علمی و با چه ویژگیها و خصوصیات برای جامعه ما مطلوبند؟ و نهایت آنکه این رسانه ها برای ما چه می توانند انجام دهند؟

### یادداشتها

1. برای اطلاع بیشتر در این زمینه ها ر.ک: «گامها نخست برای توسعه مطبوعاتی» (سرمقاله). رسانه: فصلنامه ی مطالعاتی و تحقیقاتی و وسایل ارتباط جمعی. سال 2، ش 2، تابستان 1370، ص 3؛ کیا، علی اصغر.

«بررسی عوامل موثر بر انتشار و عدم انتشار نشریات علمی در ایران، (پایان نامه فوق لیسانس در جامعه شناسی)، تهران: دانشگاه تهران، 1370، ص 52، و همچنین: «گزارش جهانی

7. همان، ص. 23
8. بروان، (پروفسور) ادوارد. تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت. ترجمه و تحسیه و تعلیقات تارسخی به قلم محمد عباسی. تهران: معرفت، 1337، ص. 139
9. آلبر، پیر. مطبوعات ترجمه: فضل الله جلوه. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، 1368، ص. 14
10. همان ص. 18
11. همان ص. 24
12. آلبر، پیر. همان ص. 31
13. «گفتگو درباره مجلات علمی» (میزگرد). نشر دانش، س. 5، ش. 6، مهر و آبان 1364، ص. 17
14. کیا، علی اصغر «بررسی عوامل مؤثر بر انتشار نشریات علمی در ایران» (پایان نامه فوق لیسانس در جامعه‌شناسی). تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، آذر ماه 1370، ص. 65
15. دهخدا، علی اکبر. لغت‌نامه. زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سید جعفر شهیدی. حرف «م»، بخش اول، «م- مالیات». تهران: دانشگاه تهران، سازمان لغت‌نامه، 1352، ص. 467
16. محیط طباطبائی. پیشین و صص 233-232
17. محسنیان راد و محمد جعفری. پیشین، ص 31 و ص. 23
18. محیط طباطبائی. پیشین، صص 27-26
19. صدر هاشمی، محمد. تاریخ جراید و مجلات ایران، اصفهان: کمال، چاپ دوم، 1363، جلد چهارم، ص 45
20. محیط طباطبائی. پیشین و صص 28-27
21. مولانا، پیشین. صص 82-81
22. آدمیت، فریدون. اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار. تهران: خوارزمی، چاپ دوم، 1356، ص 16
23. همان، ص. 17
24. همان، ص. 22
25. همان، ص. 386
26. عیسوی، چارلز. تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار، 1332-1215 ه.ق). ترجمه یعقوب آژند. تهران: ؟، ص 35
27. همان، ص. 35
28. همان، ص. 29
29. همان، ص. 40
30. همان، ص. 41
31. همان، صص 34-33
32. همان، ص. 34
33. همان، ص. 60